

## گسترش جهانی آیین



**جستاری چند در فرهنگ ایران: مقاله ششم**

**مهرداد بهار**

**چاپ دوم، انتشارات اسطوره و پژوهشکده مردم‌شناسی**

در میان نبوده است یعنی اعصار پیش از تاریخ. استاد بهار نخستین دسته از ارتباط آیین مهری با ورزش باستانی را در شکل معماری معابد مهری با بناهای زورخانه‌ای در ایران می‌داند. او می‌نویسد: مراسم مهری معمولاً در غارها انجام می‌گرفت. در نزدیک یا در داخل این معابد طبیعی که مظهر طاق آسمان و پهنه‌ی زمین بود، می‌بایست آبی روان وجود می‌داشت، اما در شهرها یا جلگه‌ها که غاری نبود، این معابد را شبیه غارها، در زیرزمین بنا می‌کردند. معبد به وسیله‌ی پلکانی طولانی به سطح زمین می‌رسید. این معابد پنجره نداشتند و از نور خارج بهره‌ای نمی‌بردند. گاه پلکان به اتاقی ختم می‌شد که در آن پیروان خود را برای اجرای مراسم آماده می‌ساختند و سپس از آن جا به محوطه‌ی اصلی معبد وارد می‌شدند. طاق معبد را چون آسمان شب می‌آراستند. در داخل معبد در دو سو دو ردیف سکو قرار داشت و در میان دو ردیف سکو، صحن مستطیل و گود معبد قرار گرفته بود که مراسم در آن انجام می‌یافت و تماشاگران بر نیمکت‌هایی که کنار سکوها، پای دیوار بود به تماشای این مراسم می‌نشستند. در آخر صحن، در محرابی، منظره‌ای از مهر در حال کشتن گاو دیده می‌شد. در کنار در ورودی ظرفی

استاد بهار مقاله‌ی «ورزش باستانی ایران و ریشه‌های تاریخی آن» را برای اولین بار در شماره‌ی دهم مجله‌ی «فرهنگ و زندگی» به تاریخ ۱۳۵۱ به چاپ رسانده است؛ اما آنچه در این گزارش پیش رو بوده است، مقاله‌ی ششم از کتاب «جستاری چند در فرهنگ ایران» است که نسخه‌ی بازبینی شده و ویراسته‌ی آن مقاله است. استاد بهار در این مقاله بنا به گفته‌ی خود دست به بازساختن تاریخ برای اثبات منشأ مشترک آیین مهری و آیین زورخانه زده و این بازسازی را چنان متفکرانه انجام داده که در پژوهش‌های دیگران، خود مورد استناد قرار گرفته است.

استاد بهار موضوع را از طرح پرسش درباره‌ی واژه‌ی «باستانی» و کاربرد آن آغاز می‌کند و این که اساساً چگونه می‌شود که نام این ورزش، «ورزش باستانی ایران» باشد. (با توجه به اینکه عبارت «باستانی» به تنهایی نیزگاه برای نامیدن این ورزش به کار می‌رود.)

وی می‌گوید: ریشه و بنیان هیچ امر سنتی را نباید در دوران تاریخی تمدن ملل جست و جو کرد؛ زیرا معمولاً آنچه به سنت مردمان اعصار جدیدتر رسیده است؛ همه به اعصاری مربوط است که هنوز خط و کتابی

پایه‌دار برای آب تیرک شده قرار داشت و در طرف مقابل، در پای تصویر مهر، دو آتشدان و بر دیوارهای معبد اغلب تصویرهایی بسیار نقش شده بود. نکته‌ی عمومی درباره‌ی همه‌ی این معابد کوچکی آن‌ها بود (به طوری که در این معابد جز گروه معدودی جای نمی‌گرفت، ص ۱۶۴)

استاد بهار برای ارائه‌ی نمونه‌هایی برای این مشابهت از

دو زورخانه‌ی قدیمی شهر کاشان

یکی در محله‌ی میدان کهنه و

دیگری در محله‌ی پشت مشهد

کاشان نام می‌برد.

وی می‌نویسد: زورخانه‌ی

ما شباهت بسیار با معابد مهری دارند.

زورخانه‌ها همیشه با پلکانی طولانی از زیرزمین به سطح خیابان می‌رسند و در زیرزمین قرار دارند و معمولاً در زیر بناهای دیگر این زورخانه‌های کهن نوری اندک دارند. دو زورخانه‌ی قدیمی شهر کاشان، یکی در زیربنای حسینیه‌ی آن محله قرار دارد که در یک طرف آن آب انبار عمومی است و دیگری که مدخل آن در راه پله‌ی آب انبار عمومی قرار دارد. در ملایر هم زورخانه‌ای را که بر مسیر قنات ساخته شده بود، خراب و در مقابل برای ساختن زورخانه‌ی تازه در مسیر همان قنات، نقطه‌ی تازه‌ای را انتخاب کردند و به بنای زورخانه‌ی تازه پرداختند.

در زورخانه درست مانند معابد مهری، در کنار سکو، در پای دیوار، نیکم‌ها قرار دارند که تماشاگران بر آن‌ها می‌نشینند و به مراسم نگاه می‌کنند.

در کنار در ورودی زورخانه مانند معابد مهری، آبدانی وجود دارد که البته امروزه مورد استعمال اصلی خود را از دست داده است. به جای آتشدان‌ها هم که در معابد مهری در انتهای صحنه و دو سوی تصویر مهر قرار دارد، در زورخانه در جلو «سردم» اجاقی است که امروزه از آن برای گرم کردن ضرب و تهیه نوشیدنی گرم استفاده می‌شود.

زورخانه، دری کوتاه داشت طوری که افراد برای ورود به آن مجبور شوند برای تواضع خم گردند. این در با پله‌هایی نسبتاً طولانی به سوی پایین به اتاقی شش ضلعی یا هشت ضلعی ختم می‌شود که میان آن گود است و به «گود زورخانه» شهرت دارد. این گود برای ورزشکاران زورخانه قداست دارد و جایگاه خاص کشتی گرفتن و دیگر ورزش‌های پهلوانی است. گرداگرد گود سکویی برای تماشای ورزش تعبیه شده است. در گوشه‌ی زورخانه جایگاه خاص «مرشد»، سکویی است که «سردم» نام دارد و آن را معمولاً با ابزارهای رزمی و پوست آرایش می‌کنند. سردم برای اهل زورخانه مقدس است و کسی جز مرشد اجازه ندارد که در آن بنشیند. در جلوی سردم بالای سر مرشد زنگ آویزان است که مرشد به مناسبت‌های خاص با دست خود آن را به صدا در می‌آورد. (افشاری، ۱۳۸۶، ص ۴۶)

نکته‌ی جالب دیگر آنکه همان گونه که بر دیوارهای معابد مهری نقش‌هایی مقدس بود، در زورخانه‌ها نیز تصاویر و نقش‌هایی از رستم و دیگر پهلوانان وجود دارد و نکته‌ی همانند دیگر کوچکی زورخانه‌هاست که تنها می‌توانند گروه کوچکی را در خود جای دهند. (ص ۱۶۵)

دسته‌ی دوم این شباهت‌ها سیر ارتباط میان آیین رومی مهر و آیین



زورخانه است.

استاد بهار می‌نویسد: بنا به افسانه‌های رومی

درباره‌ی مهر، ایزد مهر، پس از زاده شدن، بر آن شد تا نیروی خود را بسنجد. بدین روی نخست با ایزد خورشید زورآزمایی کرد و کشتی گرفت. در این کشتی گرفتن، خورشید تاب نیروی مهر را نیاورد و بر زمین افتاد. سپس مهر او را یاری داد تا برخیزد. آن‌گاه دست راست خویش را به سوی خورشید دراز کرد. دو ایزد با یکدیگر دست دادند و این نشانه‌ی بیعت خورشید با مهر بود سپس مهر تاجی بر سر خورشید نهاد و از آن پس آن دو، یاران وفادار یکدیگر ماندند (پرتو بیضایی، ص ۳۲)

در کار زورخانه نیز نکته‌ی اصلی کشتی گرفتن

است و چون پهلوانی فرو افتد دقیقاً همان آداب دست دادن را دو پهلوان به جا می‌آورند و با دست‌های چپ بازوهای راست هم را می‌گیرند و با دست‌های راست به یکدیگر دست می‌دهند و همان گونه که مهر و خورشید با هم پیمان دوستی بستند، دو کشتی‌گیر نیز هرگز با یکدیگر دشمنی نمی‌ورزند و اگر کینه‌ای پدید آید، باید یکدیگر را ببوسند و آشتی کنند و دوست بمانند. از دیگر شباهت‌ها سنت «برهنگی» است.

بهار می‌نویسد: پهلوان در گود مانند «مهر» به هنگام زایش جامه‌ای برتن ندارد و تنها بر میان خود لنگی یا تنک‌های دارد که می‌تواند برابر برگ انجیر مهر رومی باشد. برهنگی از مراسم حتمی گود است. به علت این برهنگی در منابع بسیار اشاره شده است. در تاریخ سیستان آمده که عیاران در هنگام جنگ برهنه می‌شدند و از فرار ننگ داشتند.

نکته‌ی بسیار جالب دیگری که استاد بهار به آن اشاره می‌کند یافته

شدن زنگ در معابد مهری است که پژوهشگران گمان می‌کنند آن را هنگام نشان دادن تصویر مهر در پایان یا در آغاز مراسم به صدا می‌آوردند. بهار در ادامه می‌نویسد که اگر تصور ما در ارتباط آیین زورخانه با معابد مهری درست باشد، این زنگ را در معابد مهری به هنگام ورود بزرگان دین به آواز در می‌آوردند. از دیگر شباهت‌های این دو وجود قمه، دشنه یا چاقو در میان ورزشکاران زورخانه‌ای با دشنه‌ای است که مهر به هنگام زادن با خود داشت.

در زورخانه نیز چون مراتب هفتگانه‌ی پیروان آیین مهر مراتبی وجود دارد که از این قرار است: کهنه سوار، مرشد پیش کسوت، صاحب زنگ، صاحب تاج و نوچه.

در آداب زورخانه وقتی پهلوانی به مقام استادی رسید از طرف پیشوایان به این افتخار دست پیدا می‌کند که تاج فقر بر سر بگذارد. این مراسم در آیین مهری نیز وجود دارد.



در آیین مهری رومی، پیروان مهر را با روحیه‌ای جنگی تربیت می‌کردند. در زورخانه نیز به صورت نمادین آداب نبرد آموخته می‌شود و دیگر آنکه کسانی که به سن بلوغ رسیده‌اند در زورخانه نیز مانند آیین مهر، تنها حق تشرف دارند.

دسته سوم ارتباط، شباهت میان مهر ایرانی، مهر رومی و شخصیت پهلوان است.

مهر ایرانی در مهر یشت اوستایی دشمن دروغ است (بند ۲۶) از کلام راستین آگاه است (بند ۴۹) نماینده‌ی گفتار، کردار و پندار نیک است (بند ۱۰۶) مهر نخستین، ایزدی است که پیش از خورشید در بالای کوه هرا برمی‌آید و حامی پیمان است (بند ۳) او زورمندی بی‌خواب است (بند ۷) درباره‌ی این ارتباط جالب است که بدانیم گزنفون و استرابون به سحرخیزی جوانان ایرانی و اجرای مراسم ورزش در زمان هخامنشیان پیش از طلوع آفتاب اشاره کرده‌اند و ورزشکاران باستانی کار نیز تا پیش از پهلوان اکبر

خراسانی در زمان ناصرالدین شاه سحرگهان به زورخانه می‌رفتند و پیش از نماز صبح از آنجا بیرون می‌آمدند و دیگر آنکه در سنت نیز وظیفه پهلوان، دفاع از ناتوان، از میان بردن زورگویان و حمایت از پرهیزگاران است. او باید رحیم، بخشنده و یاری رسان باشد.

استاد بهار به بند ۵ مهریشت اشاره می‌کند که در آنجا آمده است: باشد که او برای یاری ما آید. باشد که او برای گشایش کار ما آید، باشد که او برای دستگیری ما آید. باشد که او برای دلسوزی ما آید. باشد که او برای چاره‌ی کار ما آید. باشد که او برای پیروزی ما آید. باشد که او برای دادگری ما آید.

بنا به سنت، یک پهلوان چون دلاوری بی‌پاک است که هرگز هراسی به دل راه نمی‌دهد و یک تنه بر صف دشمنان می‌زند و ایشان را از میان برمی‌دارد. مهر نیز در میان موجودات تواناترین است (بند ۶) خوش‌اندام، بلندبالا و نیرومند است (بند ۷) یلی جنگاور و قوی بازوست. (بند ۲۵) کسی است که در جنگ پایدار می‌ماند (بند ۳۶) قوی‌ترین خدایان، نیرومندترین خدایان، چالاکترین خدایان، تیزترین خدایان و پیروزمندترین خدایان است (بن ۹۸)

در اینجا ذکر این موضوع لازم است که با این اوصاف بهار این احتمال را طرح می‌کند که ساخت و آداب مخصوص معابد مهری روم باستان ریشه در ایران باستان داشته باشد که در ایران تا زمان ما هم به صورت آداب زورخانه باقی مانده است.

و دیگر نکته‌ای که زنده یاد بهار به آن اشاره می‌کند و بسیار حائز اهمیت است موضوع پهلوانان حماسی و پهلوانان عیاری و جوانمردی است. گفته‌ی بهار افسانه‌های کهن پهلوانی که به پارسی بازمانده بر دو دسته است: یکی افسانه‌های پهلوانی - حماسی و دوم افسانه‌های جوانمردی و عیاری. اولی مانند آنچه در اوستا و شاهنامه بازمانده و دومی مانند سمک عیار که کهن‌ترین اثر مکتوب این دسته است.

او می‌نویسد: تحلیل شخصیت‌های پهلوانی اوستایی و شاهنامه‌ای نشان می‌دهد که بسیاری از خصوصیات این پهلوان‌ها چون رستم، خصوصیات «پندره» یکی از خدایان کهن تمدن هندوایرانی است. اما میان این پهلوانان حماسی و ایندیره با پهلوانان عصر عیاری شباهتی موجود نیست.

از خصوصیات پهلوانان عصر عیاری و جوانمردی می‌توان موارد ذیل را نام برد:

- تعلق به طبقات متوسط شهری
- داشتن رفتارها و اعتقادات اخلاقی، عارفانه و نبرد برای برادری، برابری، عدل

در اصل پهلوانان حماسی در راه سرزمین دست به نبرد می‌زنند و پهلوان عیاری در راه مردم و با تمام اینها و با وجود این تفاوت اما آن گونه که زنده‌یاد انصاف‌پور نگاهشده است: رفتن رستم به دژ تورانیان برای دیدن سهراب، به عیاری رفتن گیو دلاور به توران زمین به جست و جوی کیخسرو، یا رفتن رستم با جامه‌ی بازرگانان برای رهایی بیژن از چاه و به عیاری رفتن اسفندیار به رویین دژ و بالاخره داستان «اردشیر و کرم هفتواد» در بخش تاریخی شاهنامه و... می‌توان به یاری این همه به نوعی با شیوه‌هایی که در این حرفه پهلوانی به کار بسته می‌شود، آشنا شد.

افسانه‌های عیاری و سنت‌ها و آداب پهلوانی در آثار دوره‌ی اسلامی

